فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هفتم. زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۰۱-۲۸۷ Vol 3. No 27. 2018, p 287-301
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

مسئولیت بین‌المللی دولت در رابطه با دولت دیگر (تحلیلی بر مواد ۱۶ و ۱۸ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با عمل متخلفانه دولت)

بهرام شمسی فام*[۱]. ابراهیم امینی[۲]
۱. کارشناس ارشد حقوق بین الملل، قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه. ایران
نویسنده مسئول
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی. دانشگاه تهران. ایران
ebrahim.amini@ut.ac.ir

چکیده

در هر نظام حقوقی، خواه ملی یا بین‌المللی، نقض یک تعهد الزام‌آور، موجب مسئولیت حقوقی می‌گردد. قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت، وضعیت‌هایی را که در آن یک دولت برای نقض تعهد بین‌المللی دارای مسئولیت می‌شود و نیز آثار این مسئولیت را تعیین می‌کند. در شرایط کنونی، ارتباط تنگاتنگ دولت‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی و احتمال نقض قواعد حقوق بین‌الملل از سوی آن‌ها موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت را به یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل عمومی تبدیل کرده است. در ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی معمولاً چند کشور دخیل هستند. مسئولیت اشتقاقی یا مسئولیت غیر مستقیم یک دولت در رابطه با فعل دولت دیگر نهادی است استثنایی بر اصل مسئولیت مستقل و فلسفه‌ی وجودی آن جبران خسارات دولت زیان دیده در حالتی است که چند دولت در ارتکاب عمل متخلفانه درگیر هستند، فصل چهارم "پیش‌نویس مواد درباره مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی" کمیسیون حقوق بین‌الملل مصوب سال ۲۰۰۱ طی چند ماده بر مسئولیت یک دولت در رابطه با دولت دیگر سخن گفته است. در این پژوهش دو مورد از موارد مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی یعنی "مساعدت و کمک" و "اجبار" دولت ثالث در ارتکاب عمل متخلفانه و جنبه‌های مختلف هر یک از این مواد اعم از احراز و توزیع مسئولیت و منشأ مسئولیت تحت چند عنوان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت مستقیم، مسئولیت اشتقاقی، دولت، مساعدت، اجبار، پیش‌نویس مسئولیت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مقدمه:

در هر نظام حقوقی، خواه ملی یا بین‌المللی، نقض یک تعهد الزام‌آور، موجب مسئولیت حقوقی می‌گردد. قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت، وضعیت‌هایی را که در آن یک دولت برای نقض تعهد بین‌المللی دارای مسئولیت می‌گردد و نیز آثار این مسئولیت را تعیین می‌کند. نقض تعهد می‌تواند از یک معاهده یا حقوق عرفی سرچشمه گرفته یا ناشی از عدم اجرای یک تصمیم الزام‌آور قضایی یا تصمیم یک سازمان بین‌المللی باشد. [۱]مسئولیت بین‌المللی دولت یکی از حوزه‌های پیچیده‌ی حقوق بین‌الملل عمومی است که در اساس ریشه‌ی عرفی دارد و تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل پس از گذشت ۵ دهه برای نوشتن "پیش‌نویس مواد درباره مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی" که از این پس از آن به‌عنوان پیش‌نویس مسئولیت نام می‌بریم؛ شاهد مدعای پیچیدگی و بغرنجی این مسئله است. مسئولیت بین‌المللی اگرچه از اهمیت زیادی برخوردار است اما رژیم حقوقی آن به کندی پیش رفته و بیشتر قواعد آن ناشی از عرف است. این امر ناشی از خصیصه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی است. در اولین تلاش‌ها در سال ۱۹۳۰ در کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل ژنو، به موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها پرداخته شد، اما عمده قواعد آن ناشی از سوءرفتار دولت‌ها با بیگانگان بود. پس از آن کمیسیون حقوق بین‌الملل وابسته به مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۴۹ تدوین قواعد مسئولیت بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دارد. اولین مخبر کمیسیون "گارسیا آمادور" بر مسئولیت ناشی از سوءرفتار با بیگانگان تمرکز داشت. در سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۰ مخبر کمیسیون "روبرتو آگو" سنگ بنای طرح فعلی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را بنا نهاد. هر چند این پیش‌نویس تاکنون به شکل یک معاهده‌ی بین‌المللی در نیامده است اما نقش مهم و تعیین کننده‌ای در توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل در رابطه با مسئولیت دولت‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی بر عهده دارد. [۲]امروزه حقوق مسئولیت بین‌المللی بر مبنای قواعد عرفی و رویه‌ی قضایی تعیین می‌گردد و مواد پیش‌نویس مسئولیت در مقام عمل مورد استناد محاکم قضایی بین‌المللی و دولت‌ها قرار می‌گیرد. در مواد پیش‌نویس مسئولیت علاوه بر این که از مسئولیت مستقیم دولت‌ها به‌عنوان اصل اولیه در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت‌ها سخن به میان آمده است، مسئولیت غیر مستقیم یا اشتقاقی یک دولت در رابطه با دولت دیگر به‌عنوان استثنایی بر اصل مسئولیت مستقیم فصل چهارم پیش‌نویس را به خود اختصاص داده است. آنزیلوتی[۳]اولین فردی بود که در سال ۱۹۰۲ از مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی سخن به میان آورد. وی اساس نظریه‌ی خود را بر تئوری نمایندگی استوار ساخت. در سال ۱۹۳۰ تحولی در مبانی مسئولیت اشتقاقی به‌وجود آمد و نظریه‌ی کنترل به‌عنوان مبنای مسئولیت اشتقاقی مطرح شد که پیش‌نویس کمیسیون حقوق

---

۱. هوشنگ مقتدر، **"حقوق بین الملل عمومی"**، تهران، ۱۳۸۴، چاپ دهم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۴۵- ۱۴۶

2. James D. Fry, "**Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility**", Vanderbilt Journal of Transnational Law, May 2007, p 613

3. "Dionisio Anzilotti"

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بین‌الملل تا حدود زیادی از این نظریه در تهیه‌ی مواد مسئولیت غیر مستقیم متأثر شده‌است. [۴]اگر چه مسئولیت بین‌المللی دولت دیگر در رابطه با نقض تعهد بین‌المللی دولت دیگر جنبه‌ی حصری و استثنایی دارد اما با توجه به ارتباط تنگاتنگ دولت‌ها در عرصه‌ی بین‌المللی شاهد گسترش روزافزون آن هستیم. مسئولیت بین‌المللی یک دولت در قبال اعمال دولت دیگر در فصل چهارم پیش‌نویس مسئولیت تحت ۴ ماده مورد اشاره قرار گرفته است. در این نوشتار به موضوع کمتر بررسی شده‌ی مسئولیت بین‌المللی دولت در رابطه با دولت دیگر می‌پردازیم و تحت چند عنوان مواد ۱۶ و ۱۸ فصل چهارم پیش‌نویس مسئولیت را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم.

اصل مسئولیت مستقل[۵]

مطابق با اصول اساسی مذکور در ماده‌ی ۱ و ۲ پیش‌نویس مسئولیت هر دولت مسئول رفتار متخلفانه بین‌المللی خویش است یعنی رفتاری که به او قابل انتساب بوده و نقض تعهد بین‌المللی آن دولت باشد. این اصل که مسئولیت دولت خاص دولت مزبور است مبنای مواد پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل است. از این اصل تحت عنوان "اصل مسئولیت مستقل" یاد می‌شود. این نام‌گذاری از آن روست که هر دولت مجموعه تعهدات خاص خویش و مسئولیت‌های مربوطه به آن را داراست. [۶]

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی[۷]

مسئولیت اشتقاقی یا مسئولیت غیر مستقیم زمانی تحقق پیدا می‌کند که کشوری از نقض مقررات حقوق بین‌الملل کشور دیگر به‌صورت غیر مستقیم مسئول شناخته شود. [۸]رفتار متخلفانه‌ی بین‌المللی اغلب ناشی از همکاری چندین دولت است تا یکی دولت. این امر می‌تواند ناشی از رفتار مستقل چند دولت باشد یا اینکه چندین دولت از طریق ارگانی مشترک فعل متخلفانه‌ای را مرتکب شوند یا اینکه یک دولت از طرف دولت دیگر تحت شرایطی به ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی بپردازد.

فصل چهارم پیش‌نویس مسئولیت به سه وضعیتی می‌پردازد که یک دولت به‌دلیل رفتار دولت دیگر مسئولیت می‌یابد. ماده‌ی ۱۶ به حالتی از مسئولیت اشتقاقی اشاره دارد که یک دولت در صورت کمک و مساعدت به دولت دیگر در ارتکاب یک عمل متخلفانه مسئولیت می‌یابد. ماده‌ی ۱۷ ناظر به موردی است که در صورت کنترل و هدایت یک دولت توسط دولت دیگر دولت هدایت‌کننده مسئولیت بین‌المللی نقض تعهد دولت تحت کنترل وی است. این ماده ناظر به وضعیت اشغال، تحت‌الحمایگی و مواردی از این

---

4. Op, cit. , p 616
5. "Independent Responsibility"
٦. **"مسؤولیت بین‌المللی دولت"**، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹
7. "Derived Responsibility"
۸. محمدرضا مجتهدی، **"مطالعات حقوق بین‌الملل عمومی"**، جلد دوم، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

دست است و از آنجایی که بیشتر ارزش تاریخی دارد در این پژوهش به این ماده پرداخته نشده است و در نهایت ماده‌ی ۱۹ ناظر به قسم سوم مسئولیت اشتقاقی یک دولت در رابطه به دولت دیگر است و از اجبار و اعمال فشار یک دولت بر دولت دیگر برای ارتکاب تخلف بین‌المللی سخن می‌گوید.

لازم به ذکر است در هر یک از موارد گفته شده کشور ثالث به‌دلیل کمک، مساعدت، هدایت یا اجبار دولت دیگر، مسئولیت نمی‌یابد بلکه به‌دلیل آثار عملش که به نقض یک تعهد یا قاعده‌ی عام بین‌المللی می‌انجامد مسئولیت بین‌المللی بر وی بار می‌شود.

مبنا و منشأ مسئولیت بین‌المللی دولت در رابطه با دولت دیگر:

در رابطه با اصل مسئولیت مستقل و مسئولیت اشتقاقی مبنا و منشأ مسئولیت بین‌المللی در انتساب مسئولیت به دولت نقش اساسی دارد. در این مورد که تحقق مسئولیت بین‌المللی یک دولت بر چه مبنایی قابل تحقق است دو نظریه‌ی بنیادین از دیرباز مطرح است. یکی نظریه‌ی خطا (مسئولیت ذهنی) و دیگری نظریه‌ی خطر (مسئولیت عینی) است. نتیجه‌ی عملی که می‌توان از دو نظریه‌ی فوق به‌دست آورد این است که هیچ یک از این دو نظریه به‌عنوان یک اصل قاطع و مسلم در آرای بین‌المللی در انتساب رفتار متخلفانه به دولت‌ها مورد توجه قرار نگرفته‌اند، بلکه در هر مورد نظر به اوضاع و احوال قضیه، قضات و داوران بین‌المللی به مسئولیت کشورها رأی داده‌اند.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح مواد راجع به مسئولیت کشورها برای احتراز از ابهامات دو اصطلاح "خطا" و "خطر" از کاربرد آن‌ها پرهیز نموده و صرفاً از واژگان روشن‌تر و عینی‌تر استفاده نموده و آن "عمل یا رفتار متخلفانه" است؛ اما در ارزیابی کلی گرایش کمیسیون حقوق بین‌الملل به نظریه‌ی خطر بیش از نظریه‌ی خطاست. [۹]از این رو توجه به گرایش رویه‌ی بین‌المللی و پیش‌نویس مسئولیت در مسئول شناختن یک دولت در رابطه با دولت دیگر به هر یک از این نظریه‌ها یکی از موارد جالب‌توجه است که در بررسی هریک از مواد پیش‌نویس مورد بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد.

مسئولیت دولت در قبال همکاری و مساعدت دولت دیگر به ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی:

مسئولیت اشتقاقی بین‌المللی ناشی از کمک و مساعدت با توجه به افزایش شمار تابعان بین‌المللی و نقش فعال کشورها و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با یکدیگر چه در قالب معاهدات دو یا چند جانبه یا در پوشش یک سازمان بین‌المللی سبب شده کمک و مساعدت دولت‌ها به یکدیگر امری مبتلا به و عادی جلوه کند؛ اما این که در چه شرایطی کمک و همکاری یک دولت با دولت دیگر منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت یاری‌دهنده می‌شود امری است که از اهمیت خاص برخوردار است.

۹. محمدرضا ضیایی بیگدلی، **"حقوق بین‌الملل عمومی"**، تهران، چاپ چهل و سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۴۲۸

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

ماده‌ی ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت در این رابطه چنین مقرر می‌دارد: "دولتی که در ارتکاب یک تخلف بین‌المللی توسط دولت دیگر، به آن دولت کمک یا مساعدت[10] کرده باشد، بابت چنین کمک یا مساعدتی مسئولیت دارد اگر: الف) چنین کمک یا مساعدتی با آگاهی از شرایط آن تخلف بین‌المللی انجام شده باشد و ب) ارتکاب آن عمل از سوی خود آن دولت نیز تخلف بین‌المللی محسوب شود. "

مفهوم "کمک و مساعدت":

اولین سؤالی که در خصوص ماده‌ی ۱۶ متبادر به ذهن می‌گردد این است که منظور از "کمک یا مساعدت" چیست؟ کمیسیون حقوق بین‌الملل هیچ‌گونه شرح و توضیحی از این مفهوم به‌عمل نیاورده است و حتی از تعیین مصادیق آن خودداری کرده است. از این رو هر عملی که وقوع فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی را تسهیل کند می‌تواند کمک یا مساعدت به‌حساب آید و نظر به اطلاق ماده‌ی ۱۶ هیچ‌گونه محدودیتی در شکل و نوع معاونت وجود ندارد و حتی کمک و همکاری می‌تواند به‌شکل مساعدت حقوقی یا سیاسی نیز محقق شود.[11] یکی از اعضای وقت کمیسیون در مباحث راجع به پیش‌نویس مسئولیت سال ۱۹۷۸ چنین اذعان داشت که "همکاری باید مستقیم باشد اما نه آن اندازه که به مباشرت ختم شود و از سوی دیگر معتقد بود اگر معاونت غیر مستقیم باشد ممکن است هیچ کمکی انجام نگیرد. "[12]

موضوع دیگری که در خصوص عنصر مادی مساعدت یا کمک مطرح می‌شود این است که آیا کمک صرفاً از طریق فعل مثبت محقق می‌شود یا ترک فعل نیز در مفهوم مساعدت نهفته است؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است که به ماده‌ی دوم پیش‌نویس مسئولیت مراجعه کنیم. در صدر ماده‌ی ۲ پیش‌نویس مسئولیت عناصر فعل متخلفانه اعم از فعل یا ترک فعل به‌شمار آمده است.[13] بنابراین برای تبیین مفهوم کمک و مساعدت در ماده‌ی ۱۶ طبیعی است که باید اطلاق ماده‌ی ۲ پیش‌نویس مسئولیت مورد توجه قرار گیرد. اگرچه عده‌ای بر این عقیده‌اند که ماهیت کمک و مساعدت، ارتکاب آن را تنها از طریق فعل مثبت ممکن می‌سازد؛ با پذیرش نظر اخیر مواردی از نقض تعهد بین‌المللی ناشی از همکاری دول دیگر به دولت متخلف از دایره‌ی شمول ماده‌ی ۱۶ خارج می‌شود و کشور مساعدت‌کننده را از مسئولیت مبری می‌سازد که نظر به اوضاع احوال حاکم بر فلسفه‌ی وجودی نهاد مسئولیت بین‌المللی غیر مستقیم دولت، پذیرش چنین قرائتی از مفهوم مساعدت بلا وجه می‌نماید.

---

10. "Aid or Assistance"

۱۱. ستار عزیزی، سیامکی کریمی، **"مسئوولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن"**، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۵، ص ۵

12. ILC Yearbook 1978 Report of the Commission to the General Assembly on the work of its thirtieth session, United Nations, p 239

۱۳. ماده ۲ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت: "فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی هنگامی محقق می‌شود که رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل. "

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مبنای مسئولیت دولت ثالث در رابطه با کمک و مساعدت:

یکی از موارد جالب‌توجه در این ماده بررسی منشأ و مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت ثالث در خصوص کمک و مساعدت است. بند ب ماده‌ی ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت یکی از شرایط تحقق مسئولیت اشتقاقی را احراز قصد دولت مساعدت‌کننده برشمرده است. پیش‌نویس مسئولیت در تعریف مسئولیت و عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی اشاره‌ای به پذیرش دو نظریه‌ی بنیادین مسئولیت "عینی" و "ذهنی" نکرده اما گرایش آن به مسئولیت عینی محسوس است. اما در این ماده کمیسیون حقوق بین‌الملل برخلاف گرایش خود در طرح سایر مواد، قصد و نیت دولت مساعدت‌کننده را به‌عنوان عنصر معنوی و منشأ مسئولیت ذکر کرده است. اما مفهوم قصد چیست و به چه میزانی باید باشد؟ سؤالی است که نیاز به پاسخ دقیق دارد. به‌نظر می‌رسد که برای تحقق مسئولیت، دولت معاون نه تنها باید از وقوع تخلف بین‌المللی آگاه باشد؛ بلکه باید به قصد وقوع آن تخلف، مساعدت خود را انجام داده باشد.[۱۴]

در این خصوص خود اعضای کمیسیون نظرات مختلفی دارند و به دو جناح مختلف تقسیم می‌شدند. عده‌ای بر این اعتقاد بودند که دولت مساعدت‌کننده در صورت مساعدت در ارتکاب یک عمل متخلفانه سعی بر این دارد از خود ردپایی بر جای نگذارد؛ بنابراین اشاره به مفهوم قصد در این ماده امری زائد و دستاویزی برای دولت‌ها جهت توجیه مواضع خود هست و تنها تضییع منافع دولت زیان‌دیده نتیجه‌ی عملی این نظر خواهد بود. از سوی دیگر جناح مخالف معتقد بودند در صورتی که از عنصر قصد سخن گفته نشود تفسیر موسع و پر دامنه از مفهوم مساعدت سبب می‌شود مسئولیت‌های ناروا بر دولت‌ها تحمیل شود بنابراین لزوم احراز قصد به‌عنوان عنصر ذهنی دولت معاون در ارتکاب عمل متخلفانه در این خصوص امری لازم می‌نماید. [۱۵]

از این رو مراجعه به آرای قضایی جهت تعیین آستانه‌ی قصد مندرج در ماده‌ی ۱۶ ضروری می‌نماید. یکی از آرای قابل‌توجه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری در این زمینه دعوی مطرح‌شده‌ی "بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرئو" بود. در این قضیه بوسنی خواهان این بود که دیوان بر مسئولیت بین‌المللی صربستان به ارتکاب جنایت نسل‌کشی صحه بگذارد. قضات دیوان بر این اعتقاد بودند که شرط تحقق معاونت صربستان در جنایت نسل‌کشی "آگاهی کامل" صربستان از وقوع عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی است و تفسیر دیوان و اعتقاد آنان بر لزوم احراز قصد کامل جهت بار کردن مسئولیت بر دولت معاون در این پرونده سبب شد که صربستان از مسئولیت همکاری در ارتکاب جنایت نسل‌کشی مبری شود. در این قضیه دیوان از پذیرفتن آگاهی ضمنی فراتر رفته و با استفاده از عبارت آگاهی کامل علاوه بر قصد معاونت، آگاهی از وقوع عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی را نیز در زمره‌ی شرایط احراز مسئولیت گنجانده است. این رأی

۱۴. ستار عزیزی، سیامک کریمی، پیشین، ص ۱۱۸

15. ILC Year book, op. cit. , p 263

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بر اطلاق ماده‌ی ۱۶ در لزوم احراز قصد و آگاهی کامل دولت معاون در همکاری با دولت مباشر در ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی صحه گذاشته است. [۱۶]

در ارزیابی کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که تفسیر موسع ماده‌ی ۱۶ کشورها را متوجه‌ی سیل عظیم اتهامات می‌کند و از دیگر سو تفسیر مضیق آن هم مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از مساعدت و کمک را صرفاً به یک نظریه‌ی صرف تبدیل خواهد کرد. بنابراین باید جانب تفسیرهای افراطی را رها کرد و با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه و توجه به گرایش پیش‌نویس مسئولیت به منشأ عینی مسئولیت بین‌المللی به یک تفسیر همه‌جانبه و منطقی جهت اجرای عدالت همت گماشت. [۱۷]

التزام کشور مباشر و معاون به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی

بند ب ماده‌ی ۱۶ انتقاداتی را از سوی مفسران حقوق بین‌الملل شاهد بوده‌است. این بند مسئولیت کشور معاون را ناظر به موردی می‌داند که هر دو کشور مباشر و معاون به تعهد نقض‌شده ملتزم باشد به عقیده‌ی آنان بند ب ماده‌ی ۱۶ از فلسفه‌ی اصلی مسئولیت اشتقاقی بین‌المللی که جبران خسارت و تأمین منافع دولت زیان‌دیده است فاصله گرفته‌است و جانب دولت مساعدت‌کننده را می‌گیرد؛ در حالی‌که یکی از علل پیدایش نهاد مسئولیت اشتقاقی حمایت از کشور زیان‌دیده در شرایط استثنایی هست. [۱۸]به‌عنوان مثال دو رود دجله و فرات بین سه کشور عراق، سوریه و ترکیه قرار دارد. فی‌مابین این سه کشور در خصوص تقسیم آب این دو رود قراردادی منعقد شده‌است حال یکی از این دول با ساختن سد مانع اجرای قرارداد منعقده شود و کشور ثالث در سدسازی به این کشور کمک کرده باشد دولت ثالث در برابر نقض تعهد دولتی که اقدام به سدسازی کرده است مسئولیت نخواهد داشت. چرا که دولت ثالث جزو متعهدین معاهده‌ی مذکور نیست. برخی از مفسران حقوق بین‌الملل شرط مندرج در بند "ب" ماده‌ی ۱۶ را این‌گونه توجیه می‌کنند که بر اساس اصل نسبی بودن معاهدات (مطابق مواد ۳۴ و ۳۵ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات) دولت ثالث در قبال تعهدات دولت دیگر ملتزم نیست. این در حالی است که در صورت آگاهی کشور معاون به این امر که مساعدت وی سبب نقض تعهد دولت مباشر در قبال دولت‌های دیگر می‌شود؛ مبری دانستن دولت مساعدت‌کننده از مسئولیت امری توجیه‌ناپذیر و خلاف اصول کلی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد.

میزان مسئولیت دولت مباشر و معاون در ماده ١٦ پیش‌نویس مسئولیت:

یکی از مباحث مهم و قابل‌توجه در باب مسئولیت غیر مستقیم یک دولت در رابطه با دولت دیگر سهم و میزان مسئولیت دو یا چند کشور درگیر در ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی است. در باب مسئولیت

16. www.icj-cij.org, (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro) Judgment of 26 February 2007

۱۷. ستار عزیزی، سیامک کریمی، پیشین، ص ۱۱۹

۱۸. همان، ص ۱۲۱

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

بین‌المللی کشور معاون این سؤال مطرح می‌شود که کشور مساعدت‌کننده مسئول کل فعل متخلفانه است یا این‌که تنها به میزان مساعدت و همکاری خویش در عرصه‌ی بین‌المللی مسئولیت می‌یابد؟ دولت معاون بنا بر ماده‌ی ۱۶ مسئولیت کلی عمل متخلفانه را بر عهده ندارد و مسئولیت کلی متوجه‌ی دولت مباشر است پس باید دولت معاون را به میزان مساعدت و دخالت وی در ارتکاب عمل متخلفانه مسئول دانست. بدین منظور باید در تعیین میزان مسئولیت دولت ثالث، با توجه به اوضاع و احوال قضیه و تأثیر کمک و مساعدت وی را در تحقق عمل متخلفانه سنجید و میزان مسئولیت را تعیین کرد که یکی از امور پیچیده در زمینه‌ی مسئولیت بین‌المللی محسوب می‌شود.

توجه به این امر ضروری می‌نماید که گاهی کمک عنصر ضروری است و بدون کمک دولت دیگر دولت متخلف نمی‌توانست فعل متخلفانه را انجام دهد. در این حالت، مسئولیت حالت تضامنی دارد و دولت زیان‌دیده علاوه بر دولت متخلف از دولت مساعدت‌کننده نیز می‌تواند درخواست جبران خسارت کند. در برخی از حالات کمک عنصر ضروری ارتکاب عمل متخلفانه نیست و به‌مثابه‌ی یک عنصر فرعی عمل می‌کند؛ یعنی اگر کمک هم صورت نمی‌گرفت عمل متخلفانه انجام می‌گرفت در این حالت دولت مساعدت‌کننده تنها مسئول آن بخش از خسارت است که از رفتار او ناشی شده است و مسئولیت جبران خسارت کلی بر عهده‌ی دولت مباشر است.[۱۹]

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از "کمک و مساعدت" در رویه‌ی قضایی:

یکی از قضایای اخیر در رابطه با معاونت دولت ثالث در ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی استفاده‌ی عربستان از بمب‌های خوشه‌ای در حمله به یمن است که توسط کشور ایالات‌متحده آمریکا در اختیار وی قرار داده شده بود. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر بمب‌های خوشه‌ای که توسط عربستان در حمله به یمن مورد استفاده قرار گرفته است توسط کشور ایالات‌متحده‌ی آمریکا در اختیار عربستان قرار داده شده است. نظر به ممنوعیت استفاده از سلاح‌های ممنوعه در مخاصمات مسلحانه که بمب‌های خوشه‌ای از جمله‌ی آن‌ها هستند دولت عربستان در قبال یمن مسئولیت بین‌المللی دارد. اما نکته‌ی مورد بحث این است که آیا دولت آمریکا به‌جهت در اختیار قرار دادن این سلاح‌ها به عربستان از باب کمک و مساعدت مسئولیت بین‌المللی می‌یابد؟[۲۰] برای پاسخ به پرسش طرح‌شده ناگزیر از بررسی ابعاد مختلف قضیه و پیاده‌سازی عناصر متشکله‌ی ماده‌ی ۱۶ بر قضیه مطروحه و در نهایت رأی به مسئولیت یا عدم مسئولیت دولت آمریکا در این قضیه داد.

دولت آمریکا با در اختیار دادن سلاح‌های ممنوعه به عربستان در ارتکاب عنصر مادی یعنی کمک و مساعدت به دولت دیگر جهت ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی مطابق ماده‌ی ۱۶ اقدام کرده است. اما

---

۱۹. عباس کوچ‌نژاد، **"تقریرات مسئولیت بین‌المللی"**، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ۹۲-۱۳۹۱، ص ۲۰

۲۰. محمد ستایش‌پور، **"نیم نگاهی بر نقش آمریکا در استفاده‌ی عربستان از بمب‌های خوشه‌ای علیه مردم یمن در پرتو حقوق بین‌الملل"**، مندرج در سایت www.internationallaw.ir

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

موضوع مهم و از شروط قابل‌توجه‌ی مسئولیت دولت معاون، احراز آگاهی و قصد ایالات‌متحده‌ی آمریکا در ارتکاب عمل متخلفانه است به‌عبارت دیگر باید عنصر معنوی مسئولیت تحقق یابد. به گزارش دیده‌بان حقوق بشر از زمان انتقال مهمات و بمب‌های خوشه‌ای به عربستان اطلاع دقیقی در دست نیست. بنابراین اگر زمان انتقال اندک مدتی پیش از حمله عربستان به یمن باشد در انتساب عنصر معنوی به ایالات‌متحده‌ی آمریکا جهت مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه شکی باقی نیست اما اگر زمان انتقال و حمله‌ی عربستان به هم نزدیک نباشد در انتساب عنصر معنوی به دولت آمریکا جای شک و تردید موجود است. بنابراین عامل زمان در تحقق عنصر معنوی در این قضیه نقش اساسی را بر عهده دارد. از سوی دیگر بر اساس ماده‌ی ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت برای احراز مسئولیت اشتقاقی علاوه بر دو شرط مذکور شرط سومی هم لازم است؛ فعل متخلفانه باید هم‌زمان نقض تعهد بین‌المللی دو کشور مباشر و معاون باشد. از این شرط می‌توان به‌عنوان عنصر قانونی عمل متخلفانه صحبت کرد. اگرچه هیچ‌کدام از دو کشور مذکور جزو متعهدان کنوانسیون "مهمات خوشه‌ای" نیستند اما نظر به مقررات عام حقوق بین‌الملل ناظر به مخاصمات مسلحانه و حقوق بشردوستانه و ممنوعیت کاربرد مهمات خوشه‌ای و لزوم رعایت این مقررات از سوی تابعان حقوق بین‌الملل، وجود عنصر قانونی برای هر دو کشور محقق است. از این رو با فرض احراز عنصر معنوی بدون شک کشور آمریکا از باب مساعدت عربستان در حمله به یمن مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت.[۲۱]

مسئولیت دولت در قبال اجبار دولت دیگر به ارتکاب اعمال متخلفانه بین‌المللی:

حقوق و مسئولیت برآمده از اجبار یکی از موضوعات پیچیده و بغرنج در عرصه‌ی مسئولیت بین‌المللی است که در عین حال کمتر مورد بررسی قرار گرفته‌است. تفاسیر و پیش‌نویس‌های اولیه‌ای که در رابطه با مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها وجود دارد هیچ‌کدام به‌عنوان یک موضوع مجزا از مسئولیت بین‌المللی یک دولت در رابطه با دولت دیگر در شرایط اجبار سخنی به میان نیاورده‌اند. [۲۲]

ماده‌ی ۱۸ پیش‌نویس مسئولیت به یکی دیگر از موارد سه‌گانه‌ی مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی یا غیر مستقیم یعنی اجبار یک دولت توسط دولت دیگر پرداخته است. متن ماده چنین است: "دولتی که دولت دیگر را به ارتکاب فعلی مجبور می‌کند مسئولیت بین‌المللی دارد در صورتی که آن فعل: الف) مستقل از آن اجبار، فعل متخلفانه‌ی بین‌المللی ارتکابی دولت تحت اجبار تلقی گردد و ب) دولت اجبارکننده با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه به این کار اقدام کرده‌باشد. " [۲۳]

---

۲۱. ستار عزیزی، سیامک کریمی، پیشین، ص ۱۳۱

22. James D. Fry, op. cit. , p 616

23. Draft Articles on State Responsibility, supra note [1], art. [18]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مفهوم "اجبار":

با تدقیق در ماده‌ی فوق‌الذکر اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که حدود و ثغور و مفهوم "اجبار" چیست؟ بدیهی است هر اجباری برای طرح مسئولیت کشور اجبارکننده کافی نیست. اجبار باید به حدی باشد که اراده‌ی دولت تحت اجبار را تحت‌تأثیر قرار دهد به‌عبارت دیگر به‌گونه‌ای باشد که برای دولت تحت اجبار راهی جز تن دادن به خواسته‌ی دولت اجبارکننده باقی نماند. بنابراین قرار دادن دولتی تحت اجبار به‌گونه‌ای که تنها عمل به یک معاهده، عرف و یا قواعد عام را با مشکل مواجه سازد اجبار تلقی نمی‌گردد. از دیگر سو عملی که دولت اجبارکننده انجام آن را به دولت تحت اجبار تحمیل می‌کند باید وصف یک عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی را دارا باشد. [۲۴]

"روبرت آگو" [۲۵]در اولین گزارش خود از مواد پیش‌نویس مسئولیت، اجبار را چنین تعریف می‌کند: "اجبار حالتی است که یک کشور، کشور دیگر را به ارتکاب عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی مجبور می‌کند در حالی‌که بین دو کشور سابقه‌ای از تسلط و کنترل موجود نباشد. "[۲۶]کمیسیون حقوق بین‌الملل در گزارش سی و یکمین جلسه‌ی خود بین انواع کنترل تمایز قائل شد و معتقد بود کنترلی که در اجبار از آن صحبت می‌شود با کنترلی که در سایر موارد مسئولیت اشتقاقی از آن صحبت می‌شود متفاوت است. کنترلی که دولت اجبارکننده در ماده‌ی ماده‌ی ۱۸ بر دولت تحت اجبار تحمیل می‌کند موقتی و با توجه به اوضاع و احوال قابل تحقق است و وصف دائمی را به‌مانند کنترل ناشی از اشغال با خود به‌همراه ندارد.

اجبار مورد بحث در ماده‌ی ۱۸ تنها ناظر به اجبار غیر قانونی نیست بدین معنی که الزاماً دولت تحت اجبار نباید به شیوه‌ی غیر قانونی مورد اجبار قرار گیرد؛ بلکه شرط مسئولیت دولت ثالث این است که از اجبار وی یک عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی از سوی دولت تحت اجبار ارتکاب یابد.

مبنای مسئولیت دولت ثالث در رابطه با اجبار دولت دیگر:

به‌موجب بند دوم ماده‌ی ۱۸ یکی از شرایط تحقق مسئولیت بین‌المللی این است که دولت اجبارکننده از رفتار متخلفانه‌ای که از اجبار وی ناشی می‌شود آگاه باشد. بند دوم این ماده نظریه وضعیت ذهنی را منشأ تحقق مسئولیت بین‌المللی قرار داده است. از این رو اگرچه جهل به قانون رافع مسئولیت نیست اما جهل به موضوع در تعیین مسئولیت دولت اجبارکننده واجد اهمیت است. بنابراین قصد دولت اجبارکننده در این ماده شرط اصلی تحقق مسئولیت بین‌المللی است.

فقدان تعریف دقیق اجبار سبب شده برداشت‌ها و تعاریف متنوع از این واژه انجام گیرد و استناد به لزوم احراز قصد و علیت بین فعل دولت اجبارکننده و عملی که خواهان انجام آن از سوی دولت تحت اجبار

---

۲۴. **"مسئوولیت بین‌المللی دولت"**، پیشین، ص ۱۲۴

25. "Roberto Ago"
26. James D. Fry, op. cit. , p 619

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

است در مجموع سبب شده که کشورها از زیر بار این قسم از مسئولیت بین‌المللی به‌راحتی شانه خالی کنند[۲۷].

میزان مسئولیت دولت "اجبارکننده" و "تحت اجبار" در ماده ۱۸ پیش‌نویس مسئولیت:

در خصوص توزیع مسئولیت در ماده ۱۸ پیش‌نویس مسئولیت، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا تمام مسئولیت متوجه‌ی دولت اجبارکننده است یا این که دولت تحت اجبار نیز تحت شرایطی مسئولیت می‌یابد؟ پاسخ این سؤال با توجه به تفسیری که از مفهوم اجبار و قصد در ماده‌ی ۱۸ می‌شود متفاوت به‌نظر می‌رسد. اگر در تعریف اجبار و قصد آستانه‌ی بالایی را در نظر بگیریم تنها در شرایطی مسئولیت متوجه‌ی دولت اجبارکننده است که نه تنها قصد و آگاهی وی برای ارتکاب عمل متخلفانه باید قابل احراز باشد بلکه اجبار وی به‌حدی باشد که دولت تحت اجبار چاره‌ای جز تن دادن به خواسته‌ی دولت ثالث نداشته باشد. بنابراین در صورت فقدان عنصر معنوی کشور اجبارکننده، کشور مجبور تمامی مسئولیت و جبران خسارت کشور زیان‌دیده را بر عهده دارد. اما در صورتی که مفهومی موسع از اجبار و قصد را بپذیریم صرف تحت فشار قرار دادن یک دولت توسط دولت دیگر و حدوث عمل متخلفانه‌ی بین‌المللی –چه دولت مجبور چاره‌ای جز تن دادن به خواسته‌ی دولت ثالث داشته‌باشد چه این‌که تنها عرصه بر وی جهت پایبندی به تعهدات بین‌المللی تنگ شود– دولت اجبارکننده مسئول قلمداد می‌شود. بدیهی است اگر تفسیر اول را بپذیریم در صورتی که اوضاع و احوال قضیه حاکی از آن باشد که اجبار از شدت و حدت کافی برخوردار نبوده مسئولیت متوجه‌ی دولت مباشر خواهد بود و نمی‌تواند با توسل به دفاع اجبار خود را از مسئولیت بری کند.

در خصوص توزیع مسئولیت بین‌المللی بین کشور اجبارکننده و مجبور باید گفت اجباری که در این ماده مورد بحث است برای دولت تحت اجبار به‌مانند قوه‌ی قهریه عمل می‌کند یعنی وصف متخلفانه‌ی عمل بین‌المللی را برای وی از بین می‌برد. از سوی دیگر دولتی که دولت دیگر را تحت اجبار و فشار قرار می‌دهد به‌تنهایی و به‌مثابه‌ی دولت مباشر مسئول نتایج عمل متخلفانه‌ی ناشی از اجبار خواهد بود فارغ از آن‌که خود به تعهد میان کشور تحت اجبار و کشور زیان‌دیده ملتزم شده باشد یا خیر؛ چرا که اگر غیر از این می‌بود دولت زیان‌دیده راهی برای جبران خسارات وارده نخواهد داشت. این در حالی است که دولت اجبارکننده در برابر دولت تحت اجبار به‌دلیل اعمال فشار و اجبار بر وی مسئولیت بین‌المللی مجزا خواهد داشت. [۲۸]

27. Ibid, p 629

۲۸. عباس کوچ‌نژاد، پیشین، ص ۲۳

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از اجبار در رویه‌ی قضایی:

اگر چه در رابطه با مسئولیت اشتقاقی ناشی از اجبار با کمبود و فقدان آرای قضایی مواجه‌ایم اما ذکر چند مورد از حوادث بین‌المللی در این زمینه برای روشن‌تر شدن موضوع قابل‌توجه است. یکی از وقایع بین‌المللی که مورد توجه‌ی مفسران حقوق بین‌الملل در رابطه با اجبار یک دولت توسط دولت دیگر قرار گرفته است قضیه‌ی "شوستر" است. در اوایل سال ۱۹۱۱ دولت ایران با مشکلاتی در زمینه‌ی امور مالی مواجه بود که از دولت ایالات‌متحده آمریکا درخواست کمک جهت حل مشکلات خود نمود. دولت ایالات‌متحده آمریکا یک مشاور مالی به نام مورگان شوستر را برای حل مشکلات ایران معرفی نمود که در نهایت تقاضای مساعدت ایران از وی منجر به انعقاد یک قرارداد بین مورگان شوستر و دولت ایران شد. با ورود شوستر به ایران دولت روسیه حضور و فعالیت وی را چالشی جدید در راه دستیابی به منافع خود در منطقه به‌ویژه در ایران دید بنابراین دولت ایران را تحت فشار قرار داد و به دولت اولتیماتوم داد در صورت عدم اخراج مورگان شوستر و همکارانش به ایران حمله‌ی نظامی خواهد کرد و اقدام به آماده‌سازی نیروهای نظامی برای حمله به ایران کرد. در نهایت دولت ایران مجبور به نقض قرارداد و اخراج شوستر همراه با پرداخت غرامت به وی شد. [۲۹]مفسران معتقدند که پرداخت غرامت مانع از طرح دعوای ایالات‌متحده‌ی آمریکا علیه روسیه شد؛ چرا که در صورت عدم پرداخت غرامت به این دلیل که دولت ایران تحت اجبار و فشار روسیه اقدام به نقض تعهد و فسخ یک جانبه‌ی قرارداد خود نموده بود و اوضاع و احوال قضیه حاکی از آن بود که دولت ایران چاره‌ای جز تن دادن به خواسته‌ی روسیه نداشت مسئولیت بین‌المللی دولت روسیه به‌وضوح در رابطه با تحت فشار دادن دولت ایران قابل تحقق بود.

دومین مثال عملی در این زمینه قضیه‌ی "آمریکا-رومانی"[۳۰] است. در این قضیه انبارهای نفت و اماکن یک شرکت آمریکایی که در خاک رومانی مستقر بود در طی جنگ جهانی اول توسط دولت رومانی تخریب شد. در این قضیه ایالات‌متحده‌ی آمریکا معتقد بود که دولت بریتانیا کشور رومانی را مجبور به تخریب و حمله به اماکن شرکت آمریکایی کرده است. از این‌رو به نمایندگی از رومانی و آمریکا دعوایی را علیه بریتانیا مطرح نمود. کشور بریتانیا مسئولیت خود را نپذیرفت و مدعی بود که اقدامات وی تنها در حد ترغیب و تحریک بوده و کشور رومانی به هیچ‌وجه تحت اجبار بریتانیا نبوده است از این‌رو هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه‌ی این دولت نیست. با توجه به دفاعیات بریتانیا کشور ایالات‌متحده رویکرد خود را تغییر داد و به‌جای طرح دعوی علیه بریتانیا، ادعای خود را علیه رومانی مطرح نمود و رومانی به پرداخت غرامت تن داد. موضوع حائز اهمیت این است که هر دو کشور ایالات‌متحده آمریکا و بریتانیا بر این نظر بودند که

29. By P. J. Cain, A. G. Hopkins, **"British Imperialism:** 1688- 2015, third edition, Routledge, 20016, 383-384

30. "Romano-Americana Company case"

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

در صورتی که اجبار محرز بود کشور تحت اجبار از مسئولیت مبری و مسئولیت بین‌المللی متوجه‌ی کشور اجبارکننده می‌شد. [۳۱]

نظر به دو قضیه‌ی مطرح‌شده باید اذعان داشت که هر دو قضیه از نظر زمانی قدیمی می‌باشند و هیچ‌کدام منجر به طرح در مراجع داوری یا دادگستر بین‌المللی نشده‌اند. مفسران در تحلیل علت کمبود و فقدان آرای قضایی بین‌المللی در خصوص مسئولیت اشتقاقی برآمده از "اجبار" معتقدند که ضعف ساختاری ماده ۱۸ پیش‌نویس مسئولیت سبب شده نتوان قضیه‌ای را تحت شمول ماده ۱۸ درآورد. علاوه بر این هر دوی این دو قضیه بر یک مفهوم مخالف‌شکننده استوار هستند در قضیه‌ی اول استدلال این است اگر غرامت دریافت نمی‌شد و در قضیه‌ی دوم استدلال این است اگر اصرار و ترغیب بریتانیا به حد اجبار می‌رسید کشور ثالث مسئولیت می‌یافت. که هر دوی این استدلال‌ها برای نشان دادن ابعاد مسئولیت اشتقاقی دولت ناشی از اجبار دولت دیگر کافی به مقصود نیست. [۳۲]

نتیجه‌گیری:

بررسی مواد ۱۶ و ۱۸ پیش‌نویس مسئولیت نشان می‌دهد که در پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل آن‌طور که انتظار می‌رود مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی مورد تبیین قرار نگرفته و در توزیع مسئولیت بین دولت مباشر از یک طرف و دولت معاون یا اجبارکننده از طرف دیگر موضع دقیق و قابل دفاعی را عرضه نموده است. در مقام عمل مفسران معتقدند نظر به ماده‌ی ۱۶ که شرط آگاهی کامل و التزام هر دو کشور مباشر و معاون را به تعهد نقض‌شده جهت تحقق مسئولیت بین‌المللی در نظر گرفته در بسیاری از موارد مسئولیت دولت مساعدت‌کننده را نادیده می‌انگارد. به عقیده‌ی آنان ماده‌ی ۱۸ پیش‌نویس مسئولیت نیز در پیشبرد ممنوعیت توسل به اجبار محکوم به شکست است؛ چرا که محدودیت تحقق شرایط اجبار به قصد و آگاهی دایره‌ی شمول اجبار را با محدودیت جدی مواجه می‌سازد. این در حالی است برای پاسخ مثبت به جبران غرامت دولت زیان‌دیده، اجبار می‌بایست شامل هر نوع عملی شود که آزادی عمل کشور تحت اجبار را در تصمیم‌گیری تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین در حال حاضر این ماده بیشتر در حد یک نظریه‌ی تئوری صرف باقی مانده است و فقدان آرای قضایی بین‌المللی قابل‌توجه در این زمینه مثبت این ادعاست. در نهایت اگر چه اقدام کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه‌ی مواد پیش‌نویس مسئولیت و استناد محاکم داوری و قضایی بین‌المللی به مواد پیش‌نویس علی‌رغم عدم تبدیل آن به یک کنوانسیون بین‌المللی، نشان از اهمیت و همخوانی مواد پیش‌نویس مسئولیت با عرف و مقررات عام بین‌المللی دارد اما در مواردی از جمله در مواد اختصاص‌یافته به مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی نیاز به بازنگری و حذف زوائدی است که

31. http://digicoll. library. wisc.edu

32. James D. Fry, opc. it. p 624-625

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

مانع از انتساب مسئولیت به دولت غیر مباشر در ارتکاب عمل متخلفانه می‌شوند تا علاوه بر جبران منافع دولت زیان‌دیده از بازدارندگی کافی نیز برخوردار باشند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

فهرست منابع و مأخذ

ـ ضیایی بیگدلی، محمدرضا، "حقوق بین‌الملل عمومی"، تهران، چاپ چهل و سوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۱

ـ کوچ‌نژاد، عباس، "تقریرات مسئولیت بین‌المللی"، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق، ۹۲-۱۳۹۱

ـ مجتهدی، محمدرضا، "مطالعات حقوق بین‌الملل عمومی"، جلد دوم، چاپ اول، تبریز، ۱۳۸۱

ـ مقتدر، هوشنگ، "حقوق بین‌الملل عمومی"، تهران، ۱۳۸۶، چاپ دهم، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۱۴۵ - ۱۴۶

ـ "مسئولیت بین‌المللی دولت"، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹

ـ ستایش‌پور، محمد، "نیم نگاهی بر نقش آمریکا در استفاده‌ی عربستان از بمب‌های خوشه‌ای علیه مردم یمن در پرتو حقوق بین‌الملل"، مندرج در سایت www.internationallaw.ir

ـ عزیزی ستار، کریمی، سیامک، "مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۵

ب) منابع انگلیسی

__ James D. Fry, "Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility", Vanderbilt Journal of Transnational Law, May 2007, p 613

__ ILC Yearbook 1978 Report of the Commission to the General Assembly on the work of its thirtieth session, United Nations

__ By P. J. Cain, A. G. Hopkins, "British Imperialism: 1688- 2015, third edition, Routledge, 20016, 383-384

__ Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro Judgment of 26 February 2007, www. icj-cij. org

۵"Romano-Americana Company case", http://digicoll.library.wisc.edu

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-23]